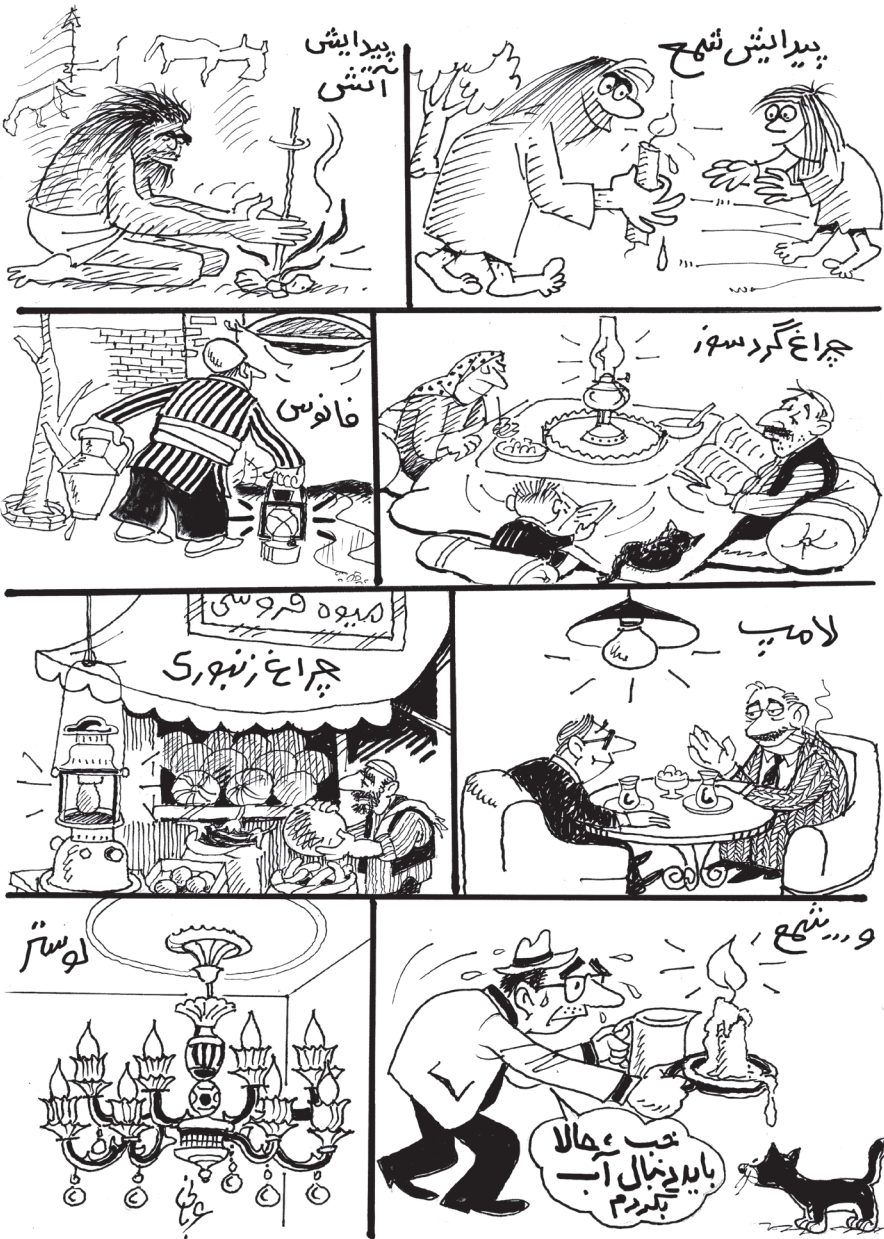


سیر تکاملی روشنایی!



نگاه هم‌میهن / ۲

ذوق و تناقض آلاسکایی
صداوسیما

مهرداد خدیر

معاون سردبیر

بعد از پایان مذاکرات دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین سران ایالات متحده و قدراسیون روسیه در آلاسکای آمریکا در خبرها و شبه‌تحلیل‌های صداوسیما نوعی ذوق‌زدگی و شغف و تلاش برای القای پیروزی رهبر روسیه دیده و شنیده می‌شود. فارغ از اینکه چنین تحلیلی چقدر دقیق است و به جز هم‌زمانی عملیات روسیه در خاک اوکراین چه مستنداتی دارد از درون آن می‌توان ۵ فقره تناقض جدی به نسبت رویکرد جاری و ماضی رسانه رسمی و دیدگاه سیاسی جناح متبوع مدیران سازمان استنباط یا استخراج کرد:

۱ اصول گرایان رادیکال در رد مذاکره مستقیم با آمریکا یا شخص ترامپ همواره نوع گفت‌وگوی تحقیر آمیز او یا ولودیمیر زلنسکی رئیس جمهوری اوکراین را شاهد یا مثال می‌آوردند واز سر دل سوزی ابراز نگرانی می‌کردند چنین سرنوشتی در انتظار رئیس جمهور ما مسعود پزشکیان هم باشد. اکنون اما همان‌ها ادعا می‌کنند ترامپ از پس پوتین برنیامده و مذاکره را باخته و طرف روس برده است.

درون این ذوق اما می‌توان به این تناقض پرداخت که اگر این گزاره درست باشد فرض قبلی خودشان دایر بر تبدیل هر مذاکره به مدل گفت‌وگوی ترامپ با زلنسکی را باطل می‌کند و اگر پوتین تسلیم نشده چرا پزشکیان را پیشاپیش تسلیم‌شده تصور یا تصویر می‌کردند؟

۲ بارها از حسن روحانی رئیس جمهوری پیشین ایران انتقاد کرده بودند که چرا قبل از برجام گفته بود به جای مذاکره با اروپا باید سراغ کدخدای آنها برویم که همانا آمریکاست؟ حتی جمله او را وارونه نقل و ادعا می‌کردند که گفته است: آمریکا کدخدای دنیاست. در حالی که گفته بود مذاکره با آمریکا بهتر از مذاکره با اروپاست (که کدخدای آنهاست). در این مذاکرات هم دیدیم با این که درباره اوکراین با حساسیت ویژه اروپایی‌ها بودنته‌نهایت خبری از نمایندۀ اوکراین نبود که ترامپ اروپا را هم به بازی نگرفت. صداوسیما به همین خاطر ذوق می‌کند و آن را نشانه تخفیف اروپایی داند در حالی که عملاً ناخواسته بر سخن روحانی هم صحه می‌گذارند و دومین تناقضی است که از درون این ذوق بیرون می‌زند.

۳ اگر خدای ناخواسته ترامپ و پوتین معامله کرده باشند تا مثلاً اولی چشم خود را به روی دست‌درازی در اوکراین ببیند و متقابلاً دومی به روی جنگی دیگر در ایران چه جای خوش حالی دارد که صداوسیما ذوق و اصرار کند پوتین برنده شده است؟ این احتمال البته بسیار اندک است و در جنگ ۱۲ روزه اخیر هم روسیه از ایران حمایت نکرد ولی به هر رو این فرض نباید جای ذوقی برای سازمان جلیلی - جلیلی باقی بگذارد.

۴ در موضوعات بین‌المللی که بحث جدایی بخش‌هایی از خاک کشوری در میان باشد ایران بسیار محتاطانه و منفی بر خورد می‌کند و معمولاً به رسمیت نمی‌شناسد. این سیاست هم مختص عصر جمهوری اسلامی نیست و در رژیم پهلوی نیز این گونه بوده است و دلیل آن هم کاملاً روشن و قابل درک است. چون میهن عزیز خود ما هم در معرض خواب‌هایی از این دست است و ایران سعی می‌کند این مورد در جاهای دیگر را به رسمیت نشناسد تا قبح آن در داخل نریزد. کما این که به رغم نزدیکی سیاسی تهران با مسکو استقلال مناطق جداشده در پی تجاوز روسیه به اوکراین را ایران به رسمیت نشناخته است. در تحلیل‌های صداوسیما - که گاه البته طرف صاحب‌خبر نگار خودشان است که فروش آلاسکا در ۱۵۸ سال پیش را به زمان اتحاد شوروی نسبت می‌دهد - اما شاهد تأکید بر مناطق جداشده اوکراین و یافشاری مسکو بر تعلق آنها به روسیه هستیم؛ موضوعی که با سیاست‌های رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی سازگاری ندارد یا سازگاری تام ندارد.

۵ نهایتاً این که تحلیل گران صداوسیما در حالی به یگانه دستاورد مذاکرات آلاسکا - تعیین زمان و مکان دور بعدی - طعنه می‌زنند که طی ۶ ساله که سعید جلیلی در جاهای مختلف با خانم اشوتیان یا دیگر رهبران اروپایی مذاکره می‌کرد نیز تعیین میزبان جدید به عنوان دستاورد معرفی می‌شد!

این یادداشت بر سر آن نیست که معرفی پوتین به عنوان برنده مذاکرات از زیر سؤال ببرد یا نتایج این مذاکرات را بررسد چرا که در بخش‌های دیگر روزنامه با دقت بیشتر و نگاه تخصصی کاویده شده بلکه چنان که از عنوان برمی‌آید برآن است تا نشان دهد درون این ذوق و شغف چه تناقضاتی نهفته است.

بر این اساس ۵ فقره برشمرده شد و اگر مجال باشد و صداوسیما سراغ دیگر تحلیل‌گران هم‌سو برود و مثلاً با شاهد حضور آقایان فواد ایزدی یا جواد لاریجانی در یکی از شبکه‌ها باشیم چه‌سپاس بتوان موارد دیگری را هم یافت و بر آنها هم انگشت گذاشت.

کرده است. هر چند که شک‌و‌شبهه‌ای از این موضوع بیان می‌کند. «سفیر پیشین ایران در نورژ ادامه داد: «با توجه به این که پوتین تحت تعقیب است اما فرش قرمز در خاک آمریکا برای او پهن شد و پیروزمندانه و احتمالاً با دست برتر از اتاق بیرون آمد، یعنی هر آنچه دولت قبلی آمریکا و کشورهای اروپایی در این مدت ساخته بودند توسط ترامپ خراب شد. ضمن این که اعلام شد آمریکا بخشی از تحریم‌های روسیه را برمی‌دارد و در مورد روابط دو طرف صحبت می‌کنند. اگر ترامپ نبود و در اوکراین صلح می‌شد، اگر در آمریکا دولت دموکرات بر سر کار بود بعید می‌دانم آمریکا و اروپایی‌ها تا ۱۰ سال دیگر حاضر بودند تحریم‌های روسیه را بردارند؛ آنقدر به روسیه فشار می‌آوردند تا تضعیف شود. مورد بعدی نیز این بود که پوتین ترامپ را قانع کرد این مذاکرات باید ادامه پیدا کند و او را به مسکو دعوت کرد. به این معنی که ترامپ ریزی‌ها را بکند و در مسکو آن را بررسی کنند. احتمالاً با توجه به صحبت ترامپ مبنی بر این که شی جین‌پینگ با او تماس گرفته و گفته تا زمانی که تو رئیس جمهور آمریکا هستی به تایوان حمله نمی‌کنم، نشان می‌دهد در مورد چین و مسائل دیگر هم صحبت کردند. با توجه به روحیه‌ای که ترامپ دارد، نمی‌شود او را بازنده اعلام کرد. اما پوتین در ملاقات آلاسکادست برتر را داشت و توانست تعجیل ترامپ را خنثی کند و طرح خود را روی میز بگذارد. هر چند با توجه به اخلاق ترامپ می‌دانیم که ظرف چند روز ممکن است تغییر کند و حرف‌های مثبت و منفی بزند. اما فعلاً نشان می‌دهد که آرام شده است.»

▼ اوکراین و اروپا ناچارند از آمریکا تبعیت کنند

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مطالعات آمریکا نیز درباره ملاقات سران آمریکا و روسیه در آلاسکا گفت: «مسئلاً این دیدار دستاورد بیشتری برای روسیه و شخص پوتین داشت. به رغم این که نتیجه مشخصی از آن بیرون نیامد. روسیه پس از چهار سال انزوا، از این شرایط خارج شد. رئیس جمهور این کشور که به اتهام جنایت جنگی تحت تعقیب دیوان بین‌المللی کیفری است، با رئیس جمهور آمریکا نه‌دریک کشور بی‌طرف که در خاک آمریکا دیدار کرد و برای این ملاقات دعوت شد. استقبال قابل توجهی از او شد و هیچ قولی هم به طرف آمریکایی نداد. آمد، سه ساعت دیدار کرد و بدون این که قولی درباره آتش‌بس یا صلح بدهد، از آلاسکا خارج شد. مثال جالبی در این مورد زده بودند که آنچه انجام می‌شد، می‌توانست در جریان رد و بدل کردن یک ایمیل هم صورت بگیرد. یا در شبکه‌های اجتماعی نوشته شود. در نهایت پوتین برنده این ملاقات شد. نه به خاطر این که ترامپ خواست، به این خاطر که در جنگ دست بالا دارد، در حال پیشروی است و امکان شکست دادش هم وجود ندارد. با تمام تحریم‌ها اقتصاد دچار فروپاشی نشده و نمی‌توان به آن حمله نظامی کرد. چنین کشوری وقتی وارد مذاکره می‌شود، دست بالا را دارد. در چنین شرایطی طرف آمریکا مجبور است که کوتاه بیاید. البته در نهایت باید اوکراین کوتاه بیاید و باید دید که می‌تواند این کوتاه آمدن را گردن زلنسکی بگذارد یا نه؛ همان دعوایی که دفعه قبل در کاخ سفید پیش آمد، این بار در سطح بالاتری رخ می‌دهد.»

او درباره اینکه آیا اوکراین و اروپا می‌توانند بدون آمریکا این جنگ را ادامه دهند، گفت: «اروپایی‌ها بضاعتی ندارند که بخواهند این کار را انجام دهند. اروپا فقط زمانی اروپاست که منافعش پیروی از ایالات متحده آمریکا باشد. وقتی بخواهند در یک مسیر حرکت کنند، اگر متضاد باشند یا آمریکا بخواهد اروپا را نادیده بگیرد، اروپا ابزاری ندارد. حداکثر توانایی‌شان این است که بخشی از خلأ عدم حضور آمریکا در تأمین منابع مالی لازم برای جنگ در اوکراین را جبران کنند. حرفی که ترامپ همین حالا می‌زند، می‌گوید آن دوره‌ای که زلنسکی می‌آمد در کاخ سفید و چک سفید امضا می‌گرفت و حتی حقوق بانزشتنگان اوکراینی را آمریکایی‌ها می‌دادند، تمام شد. آقای اروپا اگر نمی‌خواهی صلح کنی، دست در جیب کن و پول به من بده تا اسلحه بسازم. خرج جنگ را تأمین کن. آمار می‌گوید آمریکا ۱۶۰ تا ۱۷۰ میلیارد دلار در این جنگ هزینه کرده اما ترامپ می‌گوید ۳۵۰ میلیارد دلار هزینه شده است و اوکراین باید ۵۰۰ میلیارد دلار به آمریکا بدهد. این پول را ندارند، از اموال و معادن‌شان بدهند. این برای اروپایی‌ها خیلی تلخ و به صورت وحشتناکی دردناک است. ممکن است به این روند اعتراض کنند اما در نهایت مجبور به تبعیت هستند. اگر دو سال پیش گفته می‌شد که رئیس جمهور آمریکا و روسیه با هم دست می‌دهند، می‌گفتند امکان‌پذیر نیست. ولی اتفاق افتاد و اروپا هم نتوانست کاری انجام دهد. از آن بدتر اوکراین هم نمی‌تواند کاری انجام دهد. تن دادن به سرنوشتی که ترامپ برای آن‌ها در نظر گرفته، دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.»

ابوالفتح درباره وضعیت اوکراین تأکید کرد: «در نهایت آقای زلنسکی باید این داروی تلخ را بخورد. جریان ناتوگرای اوکراین هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد که کار به اینجا بکشد. آن‌ها روی قدرت تمدنی غرب حساب باز کرده بودند و با این امید توی دهن آذاهند رفتند. اما آمریکایی‌ها وسط کار جازند. چون دیدند این ماجرا چاه ویلی ست که هر چه پول در آن بریزند، پر نمی‌شود. هیچ نتیجه‌ای از آن بیرون نمی‌آید. الان هم می‌خواهند جلوی ادامه این روند را بگیرند. اوکراین هم چاره‌ای ندارد جز اینکه تن دهد. اگر مناطق شرقی مورد نظر روسیه به مسکو واگذار شود، شاید زلنسکی از لحاظ حقوقی حاکمیت روسیه را به رسمیت نشناسد اما نمی‌تواند جنگ را تغییر دهد. همین الان روس‌ها در حال پیشروی آهسته هستند. در حالی که اوکراین کمک آمریکا را دارد. الان نگرانی اروپا و اوکراین این است که ترامپ شرایط پوتین را پذیرفته و به زلنسکی بگوید، اما زلنسکی تبعیت نکند. در این صورت خشم ترامپ گریبان اروپا و اوکراین را بگیرد. بگویند پوتین آماده صلح بود اما زلنسکی کارشکنی کرد. در این صورت ترامپ ممکن است حمایت خود را قطع کند و بگوید خودتان بجنگید. نکته مهمتر اینکه نیمی از هیئت هر دو طرف در آلاسکا، مربوط به حوزه اقتصاد بودند. ممکن است پوتین به ترامپ وعده‌هایی در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری داده باشد. بگوید الیگارش‌ها را از تحریم خارج کنید، ما در آمریکا سرمایه‌گذاری می‌کنیم. بالاخره پوتین می‌داند که ترامپ چه می‌خواهد و چه وعده‌هایی برایش جذاب است. این‌ها را به ترامپ بدهد، ممکن است ترامپ اروپا و اوکراین را بفروشد یا اگر نفروشد بگوید، هر کاری می‌خواهید با روسیه انجام دهید و آمریکا به کار خودش با مسکو مشغول شود؛ نکته‌ای که اروپا بدون آمریکا نمی‌تواند و مجبور است که کنار بیاید.»

عکس نوشت

تفسیر یا اتفاق

درباره عکس‌های منتشرشده از ترامپ و پوتین در آلاسکا

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

یکی دو روز پیش دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در پایگاه نظامی «المنذوف-ر-یچار-دسون» انکوریج آلاسکا، باهم دیدار کردند. این نشست که باهدف اصلی بحث درباره جنگ اوکراین و یافتن راه‌حلی برای پایان دادن به این مناقشه برگزار شد، توجه زیادی را در رسانه‌های جهانی به خود جلب کرد. با این حال،

این دیدار پس از حدود سه ساعت مذاکره بدون دستیابی به توافق مشخص با آتش‌بس در مورد اوکراین به پایان رسید و بیشتر جنبه نمایشی داشت تا عملی اتفاق بیفتد. در ابتدای این دیدار ترامپ به قاعده کودکی که بخواهد اسباب‌بازی‌هایش را به رخ رقیبش بکشد جلوی دوربین‌ها برآمده بود که همزمان با راه رفتن روی فرش قرمز یک بمب‌افکن «بی-۲»، همانی که فرد را بمباران کرد به همراه چهار فروند «اف-۳۵» از بالای سرشان رد شود. همزمان با این اقدام و همین که هواپیماها در حال عبور از بالای سر این دو رئیس‌جمهور بودند ترامپ نتوانست جلوی ذوقش را بگیرد و شروع به دست‌زدن کرد. از آن طرف هم پوتین، انگار کن که حسودی‌اش شده باشد خنده تلخی کرد و روی جایگاه رفت. بعد از مراسم استقبال و در ادامه ماجرا ترامپ و پوتین سوار لیموزین زرهی رئیس‌جمهور آمریکا می‌شوند و به جلسه می‌روند؛ جلسه‌ای که حدود ۳ ساعت طول می‌کشد و در ادامه کنفرانس خبری برگزار می‌شود و دو طرف موضوع توافق را به آینده‌آماله می‌دهند. تا جایی که مامی دانیم، نتیجه قطعی این مذاکرات بر کسی معلوم نیست. یعنی تا تحلیل‌گران بخواهند مواز ماست حرف‌های دو طرف بکشند و به نتیجه برسند حالا حالا وقت لازم است. ضمن اینکه یک طرف ماجرا ترامپی است که هر ثانیه ممکن است حرفش عوض شود اما مسئله‌ای که به ستون ما مربوط می‌شود عکس‌هایی است که از این دیدار منتشر شده است. جالب این است که در انتخاب، استفاده و تفسیر عکس‌های منتشرشده هر کس از ظن خود یا ماجرای می‌شود. کرملین عکس خط‌و‌نشان کشیدن پوتین را منتشر می‌کند و کاخ سفید احم ترامپ را وایرال می‌کند. به طریق اولی رسانه‌های وابسته به هر کدام همین خط را گرفته و دنبال می‌کنند. نکته اما این است که ماجرای عکس می‌تواند به کلی با اتمسفر اصلی یک اتفاق متفاوت باشد. عکس‌ها به غیر از موارد خاص در کسری از ثانیه ثبت می‌شوند. کسری از ثانیه یعنی یک پلک‌زدن اضافی می‌تواند به ضرر یا به نفع یک طرف درگیر ماجرا تمام‌شود؛ اتفاقی که در عکس‌های این نشست به وضوح دیده می‌شود. مثلاً در عکس صفحه یک همین امروز روزنامه، ترامپ بعد از نشست خبری از پشت پوتین رد می‌شود، عکاس اما در همان لحظه شاتر می‌زند و عکس در لحظه‌ای ثبت می‌شود که پوتین ترامپ را ماسکه کرده. چه اتفاقی می‌افتد؟ هیچ، رئیس‌جمهور آمریکا بدون چک و چونه از صحنه و صفحه سیل عظیمی از مطبوعات حذف می‌شود. اتفاقی که ممکن است ترامپ تا سال‌ها خودش را بابت همین لحظه ملامت کند. دنیای عکاسی بی‌رحم‌تر از آن است که به برنامه‌ریزی کودکانه یک رئیس‌جمهور اهمیت بدهد.



عکس: Getty Images